

<p>تلفن: ۰۸۸۷۶۱۷۲۰ تایمر: ۰۸۸۷۶۱۲۵۶ ارتباط مردمی: ۰۸۸۷۶۹۰۷۵ پیامک: ۰۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روایط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸ مصدوق پستی: ۰۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۰۸۸۷۴۸۸۰۰</p> <p>چاپ: شرکت چاپ جام‌چم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی</p> <p>سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT</p> <p>تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)</p> <p>انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۰۸۸۵۴۸۸۹۲-۵</p> <p>http://irannewsaper.ir</p>	
<p>اذان ظهر:۱۱/۵۹ اذان مغرب:۱۷/۱۳ نیمه شب شرعی:۲۳/۱۵ اذان صبح فردا: ۵/۳۷ طلوع آفتاب فردا: ۷/۰۷</p>	
<p>حضرت فاطمه زهرا(س)</p> <p>همانا خداوند متعال تمامی گناهان بندگانش را می‌آمرزد و از کسی باکی نخواهد داشت.</p> <p>سخن روز</p> <p>تفسیرالتنبیان:ج ۹، ص ۳۷، ص ۱۶.</p>	

نگاره	
<div><div>نیما شاه‌میری</div></div>	
<div><div></div><div><div>قلم</div></div></div>	
<div></div>	

هنر مندان در فضای مجازی	
دنیای مجازی اهالی فرهنگ و هنر همچنان اختصاص دارد به فعالیت‌های این روزهایشان که با مخاطبان خود به اشتراک می‌گذارند.	
■ یاد او <p>امروز چهارشنبه ۲۴ آذرماه روزدور محمود عزیزی بازیگر، نویسنده، کارگردان و مدرس تئاتر، تلویزیون و سینمای ایران است؛ هنرمندی که نقش‌های بسیار وتأثیرگذاری در تلویزیون ایفا کرده است. او متولد ۱۳۲۳ است وامروز ۷۷ ساله شد. «سفر سبز»، «روشن‌تر از خاموشی» و «وزیر مختار» بخشی از کارنامه هنری اوست.</p>	
■ چهره ها <p>بیوک میرزایی از هنرمندان قدیمی رادیو و تلویزیون پس از مدت‌ها دوری از این عرصه در سال ۱۴۰۰ در دوسریال «روزگار جوانی» و «جشن سربرون» ایفای نقش داشته‌او در صفحه مجازی خود متنی به اشتراک گذاشته واز حال و روز این روزهای خود نوشت:«هر لحظه را زندگی کن، عاشق هر روز باش، زیرا قبل از اینکه متوجه بشوی زمان به‌سرعت می‌گذرد... یک بلخند بسیار ساده است اما واقعاً می‌تواند روز کسی را تغییر بدهد.»</p> <p>عبدالحکیم بهار مروح کتابخوانی سیستان و بلوچستان تلاش و فعالیت بسیار خوبی در عرصه کتاب و کتابخوانی دارد و با انتشار تصویر دیدارهایش با نوجوانان و جوانان آنها را به کتابخوانی ترغیب و تشویق می‌کند و در صفحه مجازی خود اشاره داشته به دیدار و گفت‌وگویش با نوجوانان در کتابخانه رمین و در شرح آن توضیح داده:«گفت‌وگوی امروز نوجوانان را در کتابخانه رمین خیلی دوست داشتم. پرشش‌ها، همان پرسش‌های هوشمندانه‌ای بود که ذهن هر نوجوان خلاق و خوش ذوق را به سمت گفت‌وگومی کشاند.»</p>	
■ چه خبر؟ <p>نمایش «یک تویک» به کارگردانی و نویسندگی سجاد افشاریان از ۲ تا ۳۰ دی در سالن اصلی «شهرزاد» روی صحنه می‌رود.این کارگردان با انتشار تیزر این نمایش در صفحه مجازی خود نوشته:«عجیب آدم‌هایی، کسی رو ندارن باهاشون تماس بگیرن، اونا کل سهمیه تلفن ماهیانه زندانشونو می‌فروشن به یه بوکس بهمن کوچیک،عجیب‌تر آدم‌هایی‌که به عالمه کس و دارن کار اما خودشون دلشون نمی‌خواد با کسی حرف بزنن، اونا هر یه نخ بهمنی رو که می‌کشن به عالمه حرف زنده است که دود میشه.»</p> <p>فیلم سینمایی «جری مگوایر» بیست و پنج ساله شد، اثری به کارگردانی کامرون کرو که سال ۱۹۹۶ ساخته شد.این فیلم را فرزند مؤتمن در صفحه مجازی خود به اشتراک گذاشت:«در سینمای ایران اغلب بی خود و بی جهت بر چشم مخصوص بازیگران زن عینک دودی می‌گذاریم. شخصا یکبار مجبور شدم بر چشم ستاره زن فیلمم عینک دودی بگذارم، فقط برای اینکه جلوی داد و فریاد تهیه کننده را که به عینک نداشتن بازیگرم معترض بود بگیرم اما در واقع عینک می‌تواند نقش تأثیرگذاری داشته باشد که ما در ایران شاید به آن توجه‌چیم...»</p>	
■ دنیای نشر <p>کتاب «عصریة خبره‌ایم‌ای مسافربری!» به نویسندگی مرژگان کلهر که از مجموعه کتاب‌های کلاس اولی هاست اشاره دارد به صلح و دوست داشتن و مهربانی که به‌تازگی از سوی انتشارات افق منتشر شده، خبری که مرژگان کلهر در صفحه شخصی‌اش به آن اشاره داشته است.</p>	
■ خاطره بازی <p>صفحه مجازی «باباگانی هنر» که به معرفی آثار هنرمندان می‌پردازد این بار اشاره کرده به حسام‌الدین سراج که در دهه شصت با امضای «س.ح.صبا» مقالاتی درباره موسیقی وتأثیر آن بر فضای عمومی جامعه وتأثیراتش بر فرد نوشته است. در این صفحه به مقاله او در نخستین شماره مجله سوره با عنوان«موسیقی برای تعالی، موسیقی برای موسیقی یا موسیقی به سوی ابتذال» به رویکرد صداوسیما در حوزه موسیقی انتقاد کرده است...</p>	



نیما شاه‌میری

قلم



اختراعی ایرانی برای دنیا

بی‌شک بخشی از میراث فرهنگی وهنری در موزه‌ها نگهداری می‌شود بنابراین اصلی‌ترین کار موزه‌ها حفاظت از آثار هنری و فرهنگی کشور است. برای حفاظت از این آثار تمهیدات مختلفی اندیشیده شده است.یکی حفاظت کالبدی و دیگری حفاظت حقوقی و فیزیکی است. یعنی سیستم امنیتی و هشداردهنده نصب می‌شود و نیز افرادی که نگهبان موزه هستند، حضور دارند و نیز متخصصان مرمت که به موزه‌ها مراجعه می‌کنند تا ببینند که شیء در چه وضعیتی قرار دارد.

به تازگی دستگاه هوشمندسازی موزه‌ها توسط جوانان ایرانی (محمودرضا گرجی، مرجان حاجی رحیمی و سالار بصیری) برای نخستین بار خلق شده است. نخستین پدیده خلق شده توسط مهندسین جوان ایرانی است، آن هم در حوزه فناوری‌های نوین موزه که مربوط به حفاظت موزه‌هاست. این سیستم هوشمند در واقع همان کاری را که در پروژه موزه سبز داشتیم انجام می‌دهد و کارش این است که رطوبت هوا، گازهای آلوده‌کننده و دما یا سایر مواردی را که برای اثر تهدید به حساب می‌آید مورد سنجش قرار می‌دهد و برای ناظر اطلاع‌رسانی می‌کند. به‌ترتیب از همه این است که این سیستم وایرلس است و نیازی به سیم کشی ندارد. به اضافه اینکه مواردی هم که در خود ساختمان ممکن است به وجود

یادداشت



سید احمد محیط‌ناجف‌آبادی رئیس انبکوم ایران

نشانی از پشت صحنه

آن روز از قلهک گذرم افتاد به خیابان شریعتی که می‌خواستم خودم را برسانم به سیدخندان و از سیدخندان خودم را توزیع کنم به سمت خانه. پیاده می‌رفتم، فکر می‌کردم راه ماشین‌رو کدام و راست. اما من پیاده بودم و از هر مسیر پیاده‌ای می‌توانستم بروم. می‌خواستم خودم را به خیابان جلفا برسانم و بعد از جلفا بیایم پایین. نقشه را باز کردم اما مسیر از جلفا داد. نقشه برابم ناز کرد و

مر انداخت کنار رودخانه و پیاده رساند به سیدخندان. چرا باید از نقشه استفاده می‌کردم؟ برای اینکه سال‌ها بود آن مسیر را نرفته بودم و دیدم اصلاً قبل‌ها نیست. قبل‌ها مسیر بدون نقشه‌های آنلاین برابم آشنا بود. نهایتش دو سه خیابان کم می‌شدم و بعد پیدا می‌شدم. درست عین همان ۱۸ ماهی که خودم را در خیابان جلفا کم کردم.

ساعت چهار صبح است واز خیابان جلفا به‌سمت سیدخندان می‌رویم. من هستم و یکی دیگر و... (در این خاطره یکی دیگر کم شده است.)

ساعت دو صبح است در جلفا قدم می‌زنیم. آنکه با من است می‌گوید: «بابا این آدم‌های پرس رو که توی پارک می‌بینم ورزش می‌کنن برام عجیبه.»

کلی خاطره دارم از این خیابان در ساعات شب. اصلاً این خیابان در شب‌ها برای ما شروع می‌شد. همان وقتی که محمد صالح‌علا خودش را می‌رساند به دفتر مجله «نشانی» و تازه می‌نشتیم به حرف زدن. حرف‌ها طول می‌کشید تا دوی صبح، سه صبح، چهار صبح و صالح‌علا وقت رفتن به خانه می‌گفت: «بابا پول خرد برای تاکسی داری؟» و من پول داشتم یا نداشتم خداحافظی می‌کردم و می‌رفتم خانه تا ۱۰ صبح دوباره دفتر مجله باشم.

یادتان است در خاطره‌ای کم گیم شده بود؟ رفیقی داریم که آن روزها سردبیر مجله نشانی بود. رضا مهدوی هراوه در این خاطره کم شده است. درست عین نوشته‌هایش که مدام کم می‌شوند و پیدا می‌شوند و به وقت کم و پیدا شدن آدم را شگفت‌زده می‌کنند. در یک خاطره دیگر رضا مهدوی هراوه تنهاست. او زیر تابلوی کوچه سپروس در منبریه ایستاده و دنبال کوچه سپروس می‌گردد. کبابی سر کوچه به تابلو اشاره می‌کند که زیر تابلو ایستاده است. آن شب رضا غمگین‌ترین آدم روی زمین بود وقتی می‌دانست دیگر نشانی نیست. دیگر جاده اراک را طی نمی‌کند تا به تهران برسد و به جلفا برسد و تا صبح با صالح‌علا درباره شماره بعد مجله حرف بزند. اینکه به این فکر کنند شماره جدید را با کدام پول منتشر کنند. اینکه چطور می‌شود بین خلایق‌های بی‌حد و مرز صالح‌علا تعادل ایجاد کرد و چطور سرکشی جوانی مرا کنترل کرد تا یک وقت بچمان نشود. هنرشریه که منتشر می‌شود کلی شیشش ماجرا دارد که خودش خواندنی و نوشتنی است. مخاطب فقط کلمات روی کاغذ را می‌بیند و تمام. اما چیزی که در تحریریه تمام نمی‌شود همان خاطرات است. امروز تقویم را نگاه می‌کردم و دیدم ۲۵ آذر تولد محمد صالح‌علا است که یکهو یادم افتاد چقدر با او خاطره دارم. بعد فکر کردم این خاطرات من به درد چه کسی می‌خورد؟ بعد دیدم شاید به درد کسی نخورد اما می‌تواند راهی باشد که بعد از ۱۴ سال که از انتشار آخرین شماره نشانی می‌گذرد و محمد صالح‌علا را هم جسته‌گریخته دو سه باری بیشتر ندیده‌ام در این ستون تولد بازی کنم و زلف با او گره بزنم و بزرگ بگویم. برانه‌سرا، برنامه‌ساز، مجری، روزنامه‌نگار، کارگردان، بازیگر، داستان‌نویس و... اینها و چیزهای دیگر همه وجود یک آدم است که بودند لطافت برای دنیاست.

باید گفت‌وگو کنیم تا به نظر جمعی برسیم

یاسر احمدوند: درباره موضوع نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران باید بنشینیم با گفت‌وگو، ابعاد مختلف آن را بررسی کنیم. بی‌تردید هدف، برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران به بهترین شکل و در شرایط مطلوب برای مخاطب است. بنابراین محل مناسبی انتخاب و سی‌وسومین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران برگزار خواهد شد. هنوز تصمیم‌نهایی درباره محل برگزاری نمایشگاه اتخاذ نشده است. باید گروه‌های مختلف درباره این موضوع گفت‌وگو کنند. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تصمیم‌گیرنده نهایی درباره محل برگزاری نمایشگاه بین‌المللی کتاب ۱۴۰۱ نیست و دیگران نیز باید همین رویکرد را داشته باشند. باید گفت‌وگو کنیم تا به نظر جمعی برسیم.

معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره تصویب «الزام شهرداری تهران به انتقال نمایشگاه بین‌المللی تهران به مجموعه نمایشگاهی شهر آفتاب» با ایننا سخن گفت.

<div><div></div><div><div>بیاورد مثل لرزش بنا را می‌تواند ارسال کند و در عین حال سیستم می‌تواند دستور دهنده هم باشد یعنی مثلاً اگر دما پایین یا بالا رفته باشد، این دستگاه به سیستم اطلاع می‌دهد تا دما را تنظیم کند. این تجربه اولی است که با همکاری موزه ارامنه تهران نصب و به مناسبت هفته پژوهش اولین موارد نتیجه‌گیری آن ثبت شد و این کار توان این را دارد و به‌عنوان یک نمونه می‌تواند در مجموعه‌هایی که به امر حفاظت اهمیت می‌دهند بخصوص در موزه‌ها که آثار مهم هنری دنیا در آنجا نگهداری می‌شود استفاده شود. با تجربه‌ای که در مورد این دستگاه شده نشان داده است که کارایی لازم را دارد.</div></div></div>	
<div><div></div><div><div>کاری که در ایکوم انجام می‌دهیم این است که این دستگاه را معرفی می‌کنیم و شرایط معرفی کار را برای صاحب‌نظران و کسانی که برایشان مناسب است، فراهم می‌کنیم تا بین کسانی که این طراحی را انجام داده‌اند و آنهایی که می‌توانند بهره‌بردار باشند، ارتباط پیش بیاید و این حمایت یک نهاد غیردولتی است از جوانان مستعد که در نهایت به کونه‌ای هم اشتغال‌زایی می‌شود. مثلاً گروه‌های دیگری هم بودند که همزمان در نمایشگاه پژوهشگاه کارهایشان را ارائه دادند. اما این دستگاه توانست در زمانی که ما دچار تحریم هستیم یک تولید داخل داشته باشیم. این نمونه ابتدا در نهاد اختراعات سونئیس تأیید شد و مدال طلا گرفت و بعدها در ترکیه مورد بررسی قرار گرفت باز هم مدال طلا گرفت و این نشان می‌دهد این اختراع برای دنیا هم می‌تواند نوآورانه و در عین حال بسیار اقتصادی و با هزینه بسیار کم که سود آور باشد.</div></div></div>	<div><div></div><div><div>بیاورد مثل لرزش بنا را می‌تواند ارسال کند و در عین حال سیستم می‌تواند دستور دهنده هم باشد یعنی مثلاً اگر دما پایین یا بالا رفته باشد، این دستگاه به سیستم اطلاع می‌دهد تا دما را تنظیم کند. این تجربه اولی است که با همکاری موزه ارامنه تهران نصب و به مناسبت هفته پژوهش اولین موارد نتیجه‌گیری آن ثبت شد و این کار توان این را دارد و به‌عنوان یک نمونه می‌تواند در مجموعه‌هایی که به امر حفاظت اهمیت می‌دهند بخصوص در موزه‌ها که آثار مهم هنری دنیا در آنجا نگهداری می‌شود استفاده شود. با تجربه‌ای که در مورد این دستگاه شده نشان داده است که کارایی لازم را دارد.</div></div></div>



روایت انکارشدگی

«صفر»، البته نیاز به واکاوی نمادین دارد و معتقدم با چندبار خواندن آن است که می‌توان پی به وجود لایه‌های بیشتر و بیشتر آن برد؛ لایه‌هایی که چون حلقه‌هایی دودرتو، حول هسته مرکزی «انکار»، «انکارشدگی»، «مقاومت در برابر انکار شدن» و «پذیرش انکار شدن» شکل گرفته‌اند و شاعر مجموعه شعر «پک» که پیش از این، سال‌ها خلایقیت ادبی خود را مصروف ساخت تصاویر شاعرانه و نظام بخشیدن به آنها حول محور مضمونی واحد، طی یک‌الی دو صفحه کرده بود، اینک آمده است تا نشان دهد که می‌تواند آن نخ نامرئی ساختار که قرار است خرده‌ساخت‌ها و خرده‌روایت‌ها و خرده‌تصاویر را در یک مسیر به رشته بکشد، در امتداد یک رمان کش بدهد و نشان بدهد که طول این نخ به قامت آنچه در ذهن مؤلف می‌گذرد، نمی‌آید و کم نمی‌آورد.

علی‌اصغر عالی زاده بیش و پیش از آنکه با صورتی متلاشی و هویتی در معرض انکار، دستت را بگیرد و در لابه‌لای سطرهایش پیشات ببرد و آدم‌هایش را یکی یکی نشانت بدهد که: «ببین! اینها دارند رنج‌های مرا انکار می‌کنند و هویت نشأت گرفته از رنج‌هایم را دارند نادیده می‌گیرند، شاعر است و این را از جای جای رمان «صفر» می‌توان دریافت؛ بویژه در نحوه چیدمان نحوی جلالتش که البته معتقدم تا پیش از صفحه ۲۵، فاصله‌ای جدی از طبیعت و منطق کلام مورد انتظار دارد و از صفحه ۲۵، با بهتر است بگویم از صفحه ۲۸ به بعد است که به دکلماسیون طبیعی کلام نزدیک می‌شود و تا پیش از آن، مخاطب با آن درگیر و گلاویز است که: «این دیگر چه‌چور حرف زدن است؟!» و از صفحات ۲۵ تا ۲۸ به بعد است که می‌فهمد راوی «چه‌چور آدمی» است و پس از آن، با شکل حرف زدنش هم کنار می‌آید. اما «صفر» روایت مقاومت در برابر انکار شدن، تلاش برای انکار نشدن و پس از همه آن مقاومت‌ها و تلاش‌ها، آرام و بی‌صدا و پذیرنده و حتی می‌توان گمان کرد گاهی با لذتی ناخواسته، به تماشای انکار شدن خود نشستن است؛ همان‌گونه که راوی می‌نشیند به تماشای پوست انداختن عقربی که نمادی از راوی صورت از دست داده بی‌چهره‌ای است که با تکتک کلمات رمانش فریاد می‌زند که «من، چیزی وای این چهره رو به زوال یا حتی زوال یافته‌ام، همان‌طوره که آن عقرب چیزی ورای پوست خشکیده رها شده‌اش بود و همان‌گونه که مردانی در جایی از کابوس‌های راوی، با پوشاندن چهره‌هایشان، هویت حک شده بر پوست صورتشان را انکار می‌کردند. شبکه در هم تنیده‌ای از روابط پنهان و آشکار آدم‌ها و اتفاق‌های «صفر»، شبکه در هم تنیده‌ای از بینامتنیت‌های ارتباط یافته با هم و با متن «صفر» و شبکه در هم تنیده‌ای از افکار بشدت پریشان اما بشدت منسجم و سازمان‌یافته راوی «صفر»، همه و همه، شرح انکار هویت فرزندخوانده غیرقانونی و پنهانی هستند که از ابتدا، تنها برای «معامله خون» که معامله‌ای است بر سر فرزند، به فرزند پذیرفته و پرورش داده شده است و حالا که حادثه‌ای شوم، جماعتی را تحریض و تحریک به کشف هویت و نسبت‌های فرد متلاشی از صورت کرده است، چه‌کسی می‌تواند بگوید کسی که نیست، کسی که هرگز نبوده است، منسوب به اوست؟ و با توجه به مجوریت همین مضمون، یعنی انکار کسی که اساساً وجود ماهوی و حقوقی و قانونی نداشته است، اما بشدت در برابر انکار شدن مقاومت می‌کند، می‌توان به کشف حلقه‌های تودرتوی ارتباط‌های پنهان و آشکار این اثر پرداخت.» «صفر» را نشر «داستان» در ۵۰۰ نسخه ۱۰۰ صفحه‌ای منتشر کرده است و به نظر می‌رسد یکی از جدی‌ترین تجربه‌های داستان‌نویسی در سال‌های اخیر باشد؛ اثری که می‌توان خواندنش را با خیالی آسوده پیشنهاد کرد.



لیلیا کوردجه شاعر و منتقد



برای بیمارانی که با این بیماری روبرو شده‌اند، درمان‌های مختلفی پیشنهاد می‌شود. این درمان‌ها شامل تغییرات در رژیم غذایی، استفاده از دارو، و در موارد شدید، جراحی می‌باشد.
درمان‌های رایج برای بیماری‌های مزمن عبارتند از:
۱. تغییرات در رژیم غذایی: کاهش مصرف نمک، چربی، و قند.
۲. استفاده از دارو: برای کنترل فشارخون، قند خون، و سایر علائم.
۳. جراحی: در مواردی که درمان‌های دیگر موفق نباشد، جراحی ممکن است نیاز باشد.
بیماری‌های مزمن می‌توانند بر کیفیت زندگی تأثیر داشته باشند، اما با پیگیری درمان‌های مناسب، می‌توان به کنترل آن‌ها پرداخت و از عوارض جلوگیری کرد.
بیماری‌های مزمن می‌توانند بر کیفیت زندگی تأثیر داشته باشند، اما با پیگیری درمان‌های مناسب، می‌توان به کنترل آن‌ها پرداخت و از عوارض جلوگیری کرد.

عکس نوشت

مجسمه‌هایی از جورج فلوید و برنوا تیلور، دو آمریکایی سایه‌بوست که در سال ۲۰۲۰ میلادی به‌دست مأموران پلیس آمریکا کشته شدند، در حراجی ساتنیز به فروش گذاشته شده است. به‌گزارش ایس‌نا، درآمد حاصل از آن به دو مؤسسه خیریه اهدا خواهد شد.



و گفت: بهترین چیزها دلی است که دروی هیچ بدی نباشد.

تذکره الاولیاء

نسبت به گسترش بی اخلاقی‌ها باید حساس بود

شاید شما هم صحنه غارت اموال کسی که اتومبیلش دچار سانحه شده را دیده‌اید. از دیدن این صحنه‌ها چه احساسی به شما دست می‌دهد؟ آیا جامعه در مسیر سقوط قرار گرفته است؟

سلامت فکر همانند سلامت جسم از ارکان اساسی سعادت و خوشبختی انسان بوده و بیماری فکر نیز همانند امراض جسمانی به نسبت شدت و ضعفی که دارد مایه تیره‌روزی بشراست. همچنان که بدن با ابتلا به امراض جسمانی بیمار می‌شود، فکر هم در اثر آلودگی به سینات اخلاقی بیمار می‌شود و همان‌طور که وقتی عضوی از اعضای بدن بیمار شد، بر اثر بیماری از فعالیت طبیعی باز می‌ماند، فکر انسان هم که مرکز اراده اوست هنگام بیماری دچار سوءانتخاب شده و به مسیرهای ناصحیح سوق می‌یابد. با این تفاوت که بیماری فکر انسان را به اعمال خلاف اخلاق واداشته و موجب آزار و اذیت دیگران می‌شود، حتی گاهی مفاسد جبران‌ناپذیر به‌بار می‌آورد. خداوند متعال تمامی اعضای بدن و غرایز و تمایلات فطری انسان را از روی مصلحت آفریده و با اراده حکیمانه خویش به هریک وظیفه‌ای را محول کرده است که به نوبه خود در اداره زندگی، ادامه حیات و تأمین سعادت بشر سهمی برعهده دارند. اندام انسان، همچنین فکر و غرایز و تمایلات فطری تا زمانی که مسیر طبیعی خود را طی کرده و طبق نظام خلقت و سنت آفرینش عمل می‌کنند، آدمی از نعمت سلامت و سعادت برخوردار است اما موقعی که نظم طبیعی یکی از این اعضا برهم می‌خورد یا کاهش می‌یابد به میزان تأثیری که در مجموعه بدن دارد، سلامت انسان را مختل می‌سازد و بیماری نسبی به وجود می‌آورد.

غرایز و تمایلات، همچنین فکر انسان که به فرمان اراده عمل می‌کنند و کار خوب و بدشان بستگی به نیت و اراده فرد دارد، اگر دارای ملکات حمیده بوده و از تربیت صحیح برخوردار باشند، در مقام تصمیم‌گیری به موازین حق و فضیلت پایبند خواهند بود و بروزانشان پسندیده و مطلوب است. اما اگر فکر، غرایز و تمایلات آدمی مبتلا به بیماری شود در جهت افقاع خواهش‌های نفس معیارهای عقل و دین را نادیده گرفته و قوای انسان را در مجرای ناصحیح و خلاف مصلحت وی به کار می‌اندازند. در چنین وضعیتی رفتار انسان مایه رنج خود و ناراحتی دیگران است و ادایم در معرض پستی و سقوط قرار دارد. کسی که بد دیگران را می‌خواهد و اطرافیان را مورد هنگ حرمت و تحقیر قرار می‌دهد دچار بیماری فکر و روح است. منشأ بیماری فکرو روح نیز ملکه شدن خصلت‌های بد و مذموم است که آثار و ثبغات آنها به مراتب خطرناکتر و زیانبارتر از بیماری‌های جسم است. با این تفاوت که بیماری‌های جسمی را می‌توان با برنامه‌های درمانی مهار کرد اما بیماری‌های فکر و ذهن به آسانی قابل مهار نیست. عوارض بیماری جسمی اغلب گریبانگیر فرد بیمار است اما بیماری اخلاقی دامنگیر جامعه است. حتی گاهی عامل به وجود آمدن فتنه‌های بزرگ شده و موجبات بدبختی جمعی را فراهم می‌آورد. اغلب جرم و جنایات و آدم و مصایب اجتماعی از فکر فاسد سرچشمه می‌گیرد. چه بسیار کسان که در نتیجه فکر بیمار پندگی خدا را رها کرده و بنده‌های هوس شده و در نتیجه از فضایل اخلاقی بی‌نصب مانده‌اند. این بیماران برای نیل به جاه و مقام، قدرت و ثروت، کامیابی و لذت‌جویی و... به هر عمل خلاف اخلاق و مغایر با اصول انسانی دست می‌زنند و در راه رسیدن به تمنیات خود از ارتکاب هر جرم و جنایتی ابا ندارند. در صورت گسترش بیماری ارتکاب معلوم نیست جامعه دچار چه فلاکتی خواهد شد! اما می‌توان پیش‌بینی کرد که اصول اخلاقی تضعیف و ای بسا متزلزل شود. زیرا گسترش فساد با منشأ فکر بیمار آسیب بسیاری را بر جامعه تحمیل کرده و ریشه عدل و انصاف، حق و فضیلت و مهر و محبت را می‌خشکاند. در نتیجه نامنی، ظلم، خشونت و... سیطره خواهد یافت که با فلسفه آفرینش در تضاد آشکار است. این روزها این خطر در کمین جامعه ما نشست و در نتیجه رواج فکر بیمار و معطوف به مادیات، جهات معنوی و اخلاقی رو به کم‌رنگ شدن گذاشته و از فراوانی افرادی که برای اصول متعالی اخلاق ارج و قربی قائل بودند و در راه آن قدم برمی‌داشتند کاهش یافته است. هراز چندی شاهد غارت اموال کسانی هستیم که بر اثر سانحه تصادف آسیب دیده‌اند. دیدن چنین صحنه‌هایی روح انسانیت را به درد می‌آورد و خبر از حاکمیت یافتن فکر بیمار و تضعیف اخلاق دارد. پدیده‌ای که اگر درمقابل آن سکوت اختیار شود دامنگیر سایر اقشار شده و امنیت و اعتماد عمومی را سلب خواهد کرد.

